

أقسام التوحيد:

اقسام توحيد

وعن تقسيمات التوحيد، سألته قائلاً:

درباره‌ی تقسیمات توحيد از ایشان پرسیدم و گفتم:

علماء العقائد يقسمون التوحيد إلى أقسام مثل: التوحيد في الذات والتوحيد في الصفات وفي العبادة، وبعضهم يوصل الأقسام إلى سبعة، فبالإضافة إلى الثلاثة أضاف (التوحيد في الأفعال والتشريع والاستعانة والحب).

علمای عقاید توحيد را به بخش‌هایی چند تقسیم می‌کنند؛ از قبیل توحيد ذاتی، توحيد صفاتی و توحيد در عبادت. برخی نیز این بخش‌بندی را به هفت دسته رسانده‌اند و به سه تاي قبلی اضافه کرده‌اند: توحيد افعالی، توحيد در حاکمیت و تشريع (یا قانون‌گذاری)، توحيد در استعانت و توحيد در حب.

وفي الاتجاه الآخر نلاحظ أن الوهابيين يجعلون للتوحيد قسمين وهما: التوحيد في الألوهية والتوحيد في العبادة. فهل لهذه التقسيمات صحة؟

از سوی دیگر می‌بینیم که وهابی‌ها توحيد را به دو دسته‌ی توحيد ربوبی و توحيد عبادی تقسیم می‌کنند. آیا این دسته‌بندی‌ها صحیح است؟

فأجاب (عليه السلام):

ایشان (عليه السلام) در پاسخ فرمود:

[بالنسبة للتقسيم عموماً يعتمد على الأساس الذي يُعتمد للتقسيم، وقد تتحقق فائدة من التقسيم وقد يكون بعض الأحيان عبثياً غير مجدٍ، فمثلاً: تقسيم التوحيد إلى توحيد الذات وتوحيد

الصفات، بمعنى أنه واحد أحد أي أنه واحد لا شريك له وأن ذاته
أحدية وصفاته عين ذاته، لا إشكال فيه وهو صحيح وفيه فائدة، فعلى
الإنسان أن يعتقد بأن الله واحد لا شريك له، وأيضاً بأن الله أحد،
صفاته عين ذاته. وكذا لو قيل: يجب توحيد في العبادة بمعنى أن
العبادة التي هي الطاعة بالأصل لله وحده، وتكون طاعة غيره كطاعة
أنبيائه ورسوله فرعاً عن طاعته سبحانه وتعالى.

«معمولاً تقسیم‌بندی‌ها بستگی به مبنایی دارد که اساس کار تقسیم بر آن بنا شده است. این
تقسیم‌بندی‌ها گاهی اوقات مفید و گاهی اوقات بیهوده و فاقد کارایی می‌باشند. به عنوان مثال،
تقسیم توحید به توحید ذاتی و توحید صفاتی به این معنا که او خدای واحد احد است یعنی او
واحدی است که شریکی ندارد و ذات او یکتا و صفات او عین ذات او است، بی‌اشکال و مطلب
درست و سودمندی می‌باشد. انسان باید به خدای یگانه‌ی بی‌شریک معتقد باشد و این که خدا یکتا
و صفات او عین ذاتش است. همچنین اگر گفته شود: باید توحید در عبادت رعایت شود به این معنا
که عبادت که همان طاعت و فرمانبرداری است، در اصل از آن خدای یگانه است و فرمان‌پذیری از
غیر او مانند اطاعت از پیامبران و فرستادگان الهی، فرعی از طاعت خداوند سبحان محسوب
می‌شود.»

وبقية ما ذكرت وفقك الله لا يعدو القول إن كل شيء قائم به
سبحانه، وكل حركة وسكنة في الخارج إنما عائدة له سبحانه وتعالى
باعتبار أنها إن لم تكن منه مباشرة وكانت من عبد من عباده فهي
بحوله وقوته سبحانه التي حولها لذلك العبد].

دیگر مطالبی که بیان کردی - خداوند شما را توفیق دهد - نهایتش این سخن است که همه
چیز قائم به خدای سبحان است و هر حرکت و سکونی در خارج، به او -سبحان و تعالی-
بازمی‌گردد، زیرا اگر چه حرکت و سکون به طور مستقیم از خدا صادر نگشته و از بنده‌ای از بندگان
او است ولی این کار با حول و قوه‌ی الهی که خدا آن را به آن بنده اعطا نموده صورت پذیرفته
است.»

* * *